

اسلام دینی است که با بیشترین سرعت در غرب رو به گسترش است. با وجود این، کلیشه‌ها و برداشت‌های نادرست فراوانی دربارهٔ اسلام در غرب وجود دارند که مسبب آن‌ها رسانه‌ها، تقصیب و ناآگاهی است. اسلام را اغلب دینی افراطی، تروریست یا بنیادگرا می‌شناسند. بسیاری از غربی‌ها از اسلام انزجار دارند و نمی‌خواهند تعالیم راستین آن را بپذیرند. در بسیاری موارد، گزارش‌های رسانه‌ها دربارهٔ اسلام نادرست هستند که علت آن ناآگاهی است. این مسئله یکی از دلایل انزجار غرب از اسلام است. برخلاف تصور بسیاری از غربی‌ها، اسلام دینی صلح‌طلب است که هیچ نوع جنگ بی‌مورد یا اقدام تروریستی را تشویق نمی‌کند.

کلیشه‌هایی که دربارهٔ اسلام وجود دارند به تازگی در فرهنگ غرب مطرح نشده‌اند. این مشکلات از همان صدر اسلام وجود داشته‌اند. اسلام و مسیحیت در سدهٔ ۱۱۰۰ در جنگ‌های صلیبی درگیر بودند و امپراتوری‌های عثمانی و مغربی سال‌ها بر بخشی از اروپا سیطره داشتند. اسلام به سرعت در غرب گسترش یافت و به تدریج موقعیت کلیسای مسیحی و طبقهٔ حاکم را مورد تهدید قرار داد و سپس نخبگان غربی و عمدتاً دولت‌ها و کلیساها به ارائهٔ تصاویر منفی از اسلام پرداختند. در نتیجه نه تنها جنگ‌هایی علیه اسلام در گرفت، بلکه با هدف حصول اطمینان از این‌که هیچ‌کس در غرب به اسلام نخواهد گروید یا از این دین طرفداری نخواهد کرد، یک جنگ لفظی را علیه اسلام آغاز کردند. چنین اقدامات و احساساتی که مدت‌ها پیش در غرب رواج داشته است، ظاهراً امروزه نیز هنوز در غرب مطرح هستند.

امروزه غرب، که از تاریخ اسلام شناختی اندک دارد یا اساساً از تاریخ اسلام چیزی نمی‌داند، دشمنی جدید را شناسایی کرده است؛ یک اهریمن جدید که جایگزین تهدید سرخ جنگ

سرد شده است، یعنی اسلام افراطی. این اسلام افراطی، که در اندیشه غربی کلیشهای رایج است، مسلمانان را بنیادگرا یا تروریست‌هایی بالقوه به تصویر می‌کشد. برخی از این عقایدی را که غربی‌ها درباره اسلام دارند، رسانه‌های همگانی غرب ایجاد کرده‌اند. گزارشگرانی که خبرهای جهان اسلام را پوشش می‌دهند از این جهان اطلاعاتی بسیار اندک دارند. از این رو، رسانه‌ها تصویری تحریف‌شده از اسلام ترسیم می‌کنند که فرهنگ غربی آن را می‌پذیرد.

عامل مهمی که در ارائه تصویری کلیشه‌ای از اسلام در غرب نقش دارد، بی‌مبالاتی رسانه‌ها در انتخاب واژه‌هایی است که در توصیف مسلمانان به کار می‌روند. افراطی یا تروریست از جمله نام‌هایی هستند که معمولاً در خبرهای مربوط به مسلمانان شنیده یا دیده می‌شوند. این واژه‌ها همراه‌کننده و عمدتاً ضداسلامی هستند. رسانه‌ها به ندرت از واژه‌هایی خنثی چون 'احیاگر' یا 'ترقی‌خواهان'^۱ استفاده می‌کنند.

رسانه‌های غربی همچنین این عقیده را جعل می‌کنند که مسلمانان در حال بازگشت به اسلام هستند. این عقیده در بیشتر موارد درست نیست؛ زیرا بیشتر مسلمانان اساساً از اسلام روی برنگردانده‌اند. اسلام همیشه بخش مهمی از زندگی آن‌ها بوده است. این عقیده را به شیوه‌ای درست‌تر و منصفانه‌تر می‌توان این گونه بیان کرد که اسلام دارد احیا می‌شود و روزبه‌روز نفوذ بیشتری بر همگان پیدا می‌کند.

افزون بر این واقعیت که رسانه‌ها عقایدی نادرست درباره اسلام جعل می‌کنند، رسانه‌های غربی همچنین در ارائه کلیشه‌های منفی از اسلام، هم‌چون این ادعا که همگی مسلمانان بنیادگرا هستند، نفوذ بسیار زیادی بر مخاطبان خود دارند. واژه بنیادگرا در واقع واژه‌ای است که رسانه‌ها آن را تفسیر می‌کنند. بنیادگرا در واقع یک مسلمان عادی را توصیف می‌کند که از دین خود پیروی می‌کند. بنیادگرا به معنای یک نگرش، یک اقدام یا یک جنبش است که یک ایدئولوژی، گروه یا دین می‌کوشد در باورهای بنیادین خود آن را ترویج کند. اعتقاد به خدای واحد (الله) و پیامبری حضرت محمد(ص) پنج‌بار نماز گزاردن در روز، روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، زکات دادن به فقرا و حج گزاردن، باورهای بنیادین یک مسلمان هستند.

1. Revivals
2. Progressives



بدین ترتیب همگی مسلمانان، اگر به میانی دین خود اعتقاد داشته باشند، بنیادگرا خواهند بود. هر چند رسانه‌ها از گروه‌های مذهبی دل خوشی ندارند، بر بنیادگرایی اسلامی به شدت تأکید می‌کنند. در اکثر گزارش‌های رسانه‌ها که در آن‌ها از بنیادگرایی اسلامی سخن گفته می‌شود، مسلمانان معمولاً افراطی توصیف می‌شوند. این مسئله نشان می‌دهد که رسانه‌ها چقدر ناآگاه هستند؛ زیرا در اسلام هرگونه افراط‌گرایی به صراحت منع شده است. حضرت محمد(ص) می‌فرماید:

آن‌ها که [در عمل به دین خود] راه افراط پیوند، ملعون [خداوند] هستند.
رسانه‌ها بیشتر اوقات، بنیادگرایان مسلمان را در حالی به تصویر می‌کشند که در نماز در پیش‌گاه خداوند به سجده افتاده‌اند. برای نمونه در شماره ۴ اکتبر مجلهٔ *تائیم*، سربازان مسلمان در حالی که با اسلحه نماز می‌خواندند، نشان داده شدند. در شرح زیر عکس آمده بود:

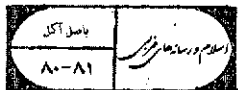
در نبرد بنیادگرایان، اسلحه و نماز با هم همراه هستند.

آن بخش از شرح عکس که گزارشگران آن را حذف کردند یا بیان نکردند این بود که سربازان مسلمان در میدان جنگ در *افغانستان* مشغول نماز خواندن بودند. در چنین وضعیتی عقل سلیم حکم می‌کند که سربازان همواره مسلح باشند تا در صورت تهاجم ناگهانی دشمن بتوانند از خود دفاع کنند. این شرح عکس، نمونه‌ای روشن از گزارشگری مغرضانه و نادرست رسانه‌هاست. تصور نادرست بزرگ دیگری که وجود دارد، حقیقت جهاد یا جنگ مقدس در اسلام است. رسانه‌ها عقاید جنگ و خشونت را به دین اسلام ارتباط داده‌اند. از آن رو جهاد بیشتر اوقات در خبرها برجسته می‌شود که رسانه‌ها گمان می‌کنند جهاد، توجیه‌کنندهٔ جنگ و خشونت در اسلام است.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

به خاطر خداوند با کسانی بجنگید که با شما می‌جنگند ولی نخست به آن‌ها حمله نبرید. الله، خداوند ستیزه‌جویی را دوست ندارد...

مسلمان، تنها برای دفاع از خود مجاز به استفاده از سلاح است. مسلمان حق دارد از جان و مال خود دفاع کند.



معنای لغوی جهاد، نبرد در راه خداوند، یا جنگ مقدس است. با وجود این، رسانه‌های غربی اغلب با اشاره به جهاد به عنوان جنگ مقدسی که در آن مسلمانان بی‌هیچ دلیل و منطقی بی‌دینان را به قتل می‌رسانند، از معنای آن سوءاستفاده می‌کنند. ولی واقعیت این است که جهاد ممکن است به معنای اعمالی باشد که مسلمان برای رضای خداوند انجام می‌دهند. رسانه‌ها به ندرت در گزارش‌های خود از این تعریف استفاده کرده‌اند. رسانه‌ها جهاد را به شیوه‌ای نادرست معرفی می‌کنند. رسانه‌ها اغلب با هدف تبلیغ دیدگاه‌های منفی درباره اسلام، به جهاد خارج از زمینه آن اشاره می‌کنند. دانش‌آموزی که برای کسب نمرات عالی تلاش می‌کند، احترام گذاشتن به پدر و مادر، مادری که فرزندی به دنیا می‌آورد، خوردن و حتی صرفاً خوابیدن، همگی را می‌توان جهاد در نظر گرفت.

پیوند اسلام و خشونت تصور نادرست رایجی است که در جامعه مردم غرب شکل گرفته است. مثالی از این نوع تصور نادرست این است که رسانه‌ها و بعضی از مورخان غربی اغلب عنوان می‌کنند که اسلام دینی است که به ضرب شمشیر گسترش یافته است؛ به این معنا که مسلمانان جهان را در نورددیدند و مردمان دیگر بلاد را وا داشتند که یا اسلام را بپذیرند یا کشته شوند. اسلام با آگاه شدن مردم از تعالیم آن و گاه با جنگ‌های مقدس گسترش یافت ولی مسلمانان مردمان را با تهدید به مرگ به پذیرش اسلام وادار نکردند. از آن‌جا که اکثریت مردم در آمریکا اطلاعات خود درباره اسلام را تنها از رسانه‌ها کسب می‌کنند، این عقیده نادرست را باور دارند. گزارش‌های رسانه‌ها درباره رویدادهای عربی یا اسلامی، هم‌چون جنگ خلیج [فارس] اغلب به غلط تعبیر شده‌اند؛ رسانه‌ها معمولاً درباره پیشینه این رویدادهای اسلامی، که آن‌ها را گزارش می‌کنند، به مخاطبان خود اطلاعات نمی‌دهند.

رسانه‌ها به ندرت بین دین اسلام و وقایع سیاسی‌ای که در بیشتر کشورهای اسلامی رخ می‌دهند، تمایز قائل می‌شوند. برای نمونه آن‌چه که *صلام حسین*، رئیس‌جمهور عراق در جنگ خلیج [فارس] انجام داد [تهاجم بی‌دلیل به مردمان دیگر کشورها، به ویژه مسلمانان] غیراسلامی و به کلی نادرست بود ولی باز هم رسانه‌ها درباره اسلام و این‌که مسلمانان مردمانی هستند که



چون جنگ دارند، گزارش تهیه می‌کنند. هیتلر، مسیحی بود ولی ایا هر آن‌چه انجام داد با باورهای آیین مسیحیت سازگار بود. صدام هم به اصطلاح مسلمان است ولی هر آن‌چه انجام می‌دهد الزاماً از باورهای اسلامی سرچشمه نمی‌گیرد. بنابراین آشکارا می‌توان دید که گزارش‌های رسانه‌ها دربارهٔ مسلمانان تشنهٔ جنگ نادرست هستند. این عقیده که اسلام و مسلمانان با واژه‌های اعراب و خاورمیانه پیوند دارند، در واقع گمراه‌کننده است. اعراب تنها ۱۸٪ جمعیت مسلمانان سراسر جهان را تشکیل می‌دهند.

صرف‌نظر از این واقعیت که رسانه‌ها به سبب ناآگاهی از ماهیت دین اسلام، تصویر نادرستی از آن ارائه می‌کنند، این نکته را نیز در نظر باید داشت که رسانه‌ها سازمان‌هایی سودجو هستند که اغلب در پی ایجاد تصویری نادرست از واقعیت هستند. خبرهای جهان اسلام اغلب به نظر عامهٔ مردم در ایالات متحده خبرهایی ناخوشایند هستند. اسلام اغلب به عنوان خطر یا تهدیدی برای غرب نشان داده شده است. این تصاویر منفی با اسلام مطابقت ندارند بلکه باورهای بخش‌هایی از یک جامعهٔ خاص هستند. این بخش‌های شاخص می‌توانند تصاویری از اسلام ارائه کنند که گاه دیدگاه‌های مردم را دربارهٔ اسلام تحت تأثیر قرار می‌دهند بخش اعظم مشکلاتی که در بازنمایی‌های ضعیف از اسلام مشاهده می‌شود، از ترجمه‌های نادرست، فقدان خبرگزاری‌های توسعه‌یافته‌ای که از شبکه‌های بین‌المللی و گزارشگران یومی برخوردار باشند و گزارش‌های مغرضانهٔ بسیاری از گزارشگران غربی ناشی می‌شود.

بعضی از گزارش‌های مغرضانه از حوادث ناخوشایندی سرچشمه می‌گیرند که در گذشته در جهان اسلام روی داده‌اند؛ هم‌چون ربودن هواپیماها توسط فلسطینی‌ها، اشغال سفارت ایالات متحده در تهران توسط دانشجویان، این واقعیت که در بیشتر کشورهای اسلامی حکومت‌هایی دموکراتیک وجود ندارند و جنگ خلیج [فارس].

رسانه‌ها از بیشتر این حوادث تفسیر و تصویری نادرست ارائه کرده‌اند. گاه رسانه‌ها به سبب احساسات مغرضانه‌ای که نسبت به مسلمانان دارند، ناخواسته در اهمیت برخی مسایل اغراق می‌کنند. با وجود این بسیاری از تحولات مثبت در جهان اسلام به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرند.

بعضی از بازنمایی‌های نادرست از اسلام اغلب از بازنمایی‌های نادرست از برخی مسایل در کشورهای اسلامی هم چون جهاد یا حقوق زن در اسلام ناشی می‌شوند. وسیم سجاده، رئیس سابق مجلس سنای پاکستان، وضعیت اسلام و رسانه‌ها را چنین تبیین می‌کند:

در مطبوعات و رسانه‌های غرب از جهان اسلام تصویر نادرستی ارائه می‌شود. نه تنها در کشورهای اسلامی صرفاً معدودی خبرگزاری وجود دارد بلکه تعداد گزارشگران بی‌تجربه نیز مایه نگرانی است. بسیاری از گزارشگران، فرهنگ این کشورها را نمی‌شناسند و زبان آن‌ها را نیز نمی‌دانند و در نتیجه مردمان این کشورها تنها به نخبگان غرب‌زده انگلیسی یا فرانسوی‌زبان دسترسی دارند. از این رو بازنمایی آن‌ها اغلب گزارشی مغرضانه از رویدادهای سیاسی و اجتماعی از منظر اقلیت حاکم در کشورهای اسلامی است.

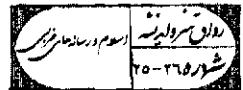
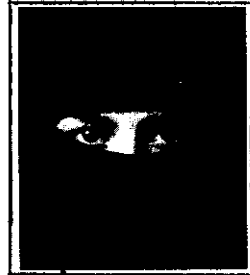
پوشش نادرست رسانه‌ها باعث شده است تا تصویر منفی از اسلام روزبه‌روز بیشتر در فرهنگ غرب ریشه بدواند.

رسانه‌ها به ایجاد تصویری از اسلام برای مخاطبان ناآگاه کمک می‌کنند. تصاویر تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، مجلات، رادیوها و داستان‌های مصور روزنامه‌ها که پیام‌های رایسی را در بین مخاطبان خود تبلیغ می‌کنند، باعث می‌شوند تا عامه مردم در غرب غالباً درباره مسلمانان اطلاعات نادرستی دریافت کنند.

گزارشگران غربی اغلب عنوان می‌کنند که مسلمانان تروریست هستند. تروریست بودن مسلمانان به تصویری رایج در نزد عامه مردم تبدیل می‌شود. ادوارد سعید^۴ در کتاب پوشش خبری اسلام^۵ در این باره صحبت می‌کند که چگونه رسانه‌ها و کارشناسان تعیین می‌کنند که ما مردمان دیگر کشورهای جهان را چگونه ببینیم. او می‌نویسد:

واژه اسلام چنان که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، ظاهراً یک امر بسیط است ولی در واقع هم افسانه است، هم یک برجسب ایدئولوژیک است و هم کمترین لقبی است که به دینی به نام اسلام داده می‌شود. امروزه اسلام عبارت است از خبرهای به غایت تکان‌دهنده در جهان غرب. در طول چند سال گذشته، به ویژه از زمان وقوع

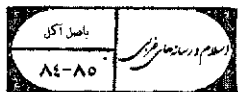
4. Waseem Sajjad
5. Edward Said
6. Covering Islam



حوادثی در ایران که توجه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها را سخت به خود جلب کردند، رسانه‌ها خبرهای مربوط به اسلام را پوشش داده‌اند: آن‌ها اسلام را به تصویر کشیده‌اند، آن را توصیف کرده‌اند، آموزه‌هایش را تعلیم داده‌اند و بدین ترتیب آن را شناسانده‌اند ولی این پوشش کاملاً گمراه‌کننده است و بخش قابل توجهی از این پوشش فعالانه بر اطلاعاتی مبتنی هستند که با واقع‌نگری بسیار فاصله دارند. در بسیاری موارد، اسلام نه تنها اشتباهات فاحش که اظهاراتی دال بر قوم‌پرستی بی‌حد و حصر، نفرت فرهنگی و حتی نژادی و خصومت عمیق و در عین حال متزنزل را مجاز ساخته است.

رسانه‌های غربی به جز ترسیم تصاویری نادرست درباره اسلام، معمولاً اسلام را در مناقشات بین مسلمانان مورد تاکید قرار می‌دهند. این رسانه‌ها به ندرت در مناقشات پیروان دیگر ادیان به دین آن‌ها اشاره می‌کنند. برای نمونه در خبرها به جای این که بگویند پنج اسرائیلی هدف اصابت گلوله پنج فلسطینی قرار گرفتند، عنوان می‌کنند پنج اسرائیلی احتمالاً هدف اصابت گلوله قرار گرفته‌اند ولی پنج مسلمان، آن‌ها را مورد اصابت گلوله قرار دادند. ولی اگر مناقشه بر ضد مسلمانان باشد، رسانه‌ها این کنش را معکوس می‌سازند و برای نمونه معمولاً در خبرها عنوان می‌شود صرب‌ها، بوسنیایی‌ها را به قتل رساندند و به ندرت عنوان می‌کنند مسیحیان، مسلمانان را به قتل رساندند.

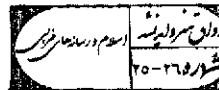
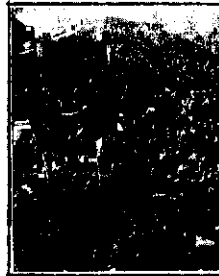
افزون بر بازنمایی‌های نادرست رسانه‌ها درباره مناقشات مسلمانان، حقوق زنان در اسلام، هم‌چون پوشش زنان و آزادی‌های زنان، موضوعات مهمی هستند که رسانه‌های غربی اغلب آن‌ها را خلط می‌کنند یا به غلط تفسیر می‌کنند. رسانه‌ها اغلب اسلام را دینی مردسالار نشان می‌دهند که در آن مردان مسلمان بر همگی گروه‌های مردم اقتدار کامل دارند. رسانه‌ها اغلب عنوان می‌کنند که در اسلام زنان مورد تبعیض قرار می‌گیرند و این که زنان هیچ قدرت یا اختیاری ندارند. ولی آن چه در این رسانه‌ها عنوان می‌شود، مایه شگفتی است؛ زیرا حضرت محمد(ص)، یکی از بزرگ‌ترین مصلحان برای زنان بود. در واقع، شاید اسلام تنها دینی باشد که رسماً حقوق زنان را تعلیم می‌دهد و راه‌هایی برای حفاظت از آن‌ها پیدا می‌کند. اگر اسلام به درستی پیاده شود، جامعه



اسلامی بهترین نمونه یک جامعه برابر از نظر جنسیتی خواهد شد. با گسترش اسلام، نقش‌های سنتی‌ای که زنان پیش از اسلام ایفا می‌کردند جای خود را به نقش‌های جدیدی دادند که اسلام برای زنان معین کرده بود. اسلام به زنان اجازه داد تا از حق تحصیل علم و حق مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جوامع خود برخوردار شوند. این مسئله، ترقی اجتماعی را در جوامع آن‌ها موجب شد. زنان همچنین از حق رای دادن برخوردار شدند که زنان آمریکایی تا سال ۱۹۱۹ از آن محروم بودند. حق به ارث بردن دارایی‌ها و به دست گرفتن مسئولیت اموال نیز به زنان اعطا شد. هر چند امروزه به سبب سنت‌های فرهنگی بیشتر این حقوق را از زنان مسلمان دریغ می‌کنند، نباید این مسئله را به اسلام ربط داد؛ زیرا این سنت‌های غلط فرهنگی با اسلام ارتباط ندارند.

حجاب زنان مسلمان مفهوم دیگری است که عموماً در غرب درک درستی از آن وجود ندارد. غربی‌ها اغلب تصور می‌کنند حجاب، سنت سخت‌گیرانه‌ای است که اسلام زنان را به رعایت آن ملزم می‌کند. غربی‌ها اغلب عنوان می‌کنند که زنان به سبب رعایت حجاب از آزادی و عزت بی‌بهره‌اند ولی در واقع این حجاب به مصون ماندن زنان کمک و پاکدامنی آن‌ها را حفظ می‌کند. برخلاف جوامع غربی که هر ساله هزاران مورد تجاوز جنسی و آلودگی به ویروس ایدز در آن‌ها مشاهده می‌شود، در جوامع اسلامی موارد تجاوز جنسی و آلودگی به ویروس ایدز بسیار اندک هستند ولی در برخی کشورها، هم‌چون عربستان سعودی زنان را به پوشیدن عبا (چادرهای بلند که سر تا پا را می‌پوشاند) مجبور می‌کنند. در اسلام به این انواع افراطی پوشش هیچ اشاره‌ای نشده است. اسلام زنان را ملزم می‌سازد که برای مصونیت خودشان حجاب داشته باشند ولی اگر زنی نخواهد حجاب داشته باشد، مختار است و خودش می‌داند و خدای خودش. خداوند هر آنچه را که در این دنیا و در آخرت برای چنین زنی مقدر بداند انجام خواهد داد.

در واقع زنان مسلمان باید از این حقوق بهره‌مند باشند ولی رسانه‌های غربی اغلب این واقعیت را به مخاطبان خود نمی‌گویند. رسانه‌ها همچنین این واقعیت را گزارش نمی‌کنند که میزان بی‌سوادی در کشورهای اسلامی بالاست. این مسئله باعث می‌شود که به چالش کشیدن



مردسالاری فرهنگی برای زنان که فرق سنت‌های روستایی و قوانین واقعی اسلام را نمی‌دانند، عملاً ناممکن باشد.

اگر رسانه‌های غربی بدانند که چگونه و چرا دولت‌ها حقوق زنان را که قرآن برایشان مسلم دانسته است، محدود کرده‌اند، شاید بتوانند مسایل زنان را در کشورهای اسلامی بهتر نشان بدهند. بیشتر کشورهای به اصطلاح اسلامی، (براساس آموزه‌های دین اسلام) از دین خود منحرف شده‌اند که در گزارش‌های رسانه‌ها باید به این مسئله پرداخته شود. ولی در عوض رسانه‌ها به غلط زنان مسلمان را قربانیان دینی خشن و سوکوبگر به تصویر می‌کشند. در حالی که رسانه‌ها تصاویر منفی و تبعیض‌آمیز از زنان را بسیار برجسته می‌سازند، به مخاطبانشان یادآور نمی‌شوند که در سه کشور اسلامی (بنگلادش، پاکستان و ترکیه) سران دولت زن هستند. در مقابل، بیشتر کشورهای غربی هم‌چون ایالات متحده که کشورهای اسلامی را به سبب سرکوب زنان محکوم می‌کنند، هرگز رییس‌جمهور مرد غیرسفیدپوست نداشته‌اند، چه رسد به این که زن باشد.

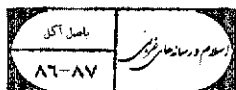
درباره حقوق زنان در اسلام باید گفت که اسلام موضوع داغ دولت‌های غربی نیز هست. قدرت‌های غربی معمولاً به راحتی جنبش‌ها یا دولت‌های اسلامی را تحمل نمی‌کنند. یک دلیل مهم این است که در یک دولت اسلامی، برخلاف دولت‌های غربی، دین از سیاست جدا نیست. جوڈیت میلر^۷ در کتاب خود با نام *چالش اسلام افراتطبی* عنوان می‌کند:

همگی کسانی که به حقوق جهانی بشر، دولت‌های دموکراتیک، تساهل سیاسی و صلح بین اعراب و اسرائیلی‌ها باور دارند، نمی‌توانند از قدرت روز افزون جنبش‌های مبارز اسلامی در بیشتر کشورهای خاورمیانه راضی باشند.

میلر معتقد است که دولت‌های غربی باید با این نوع جنبش‌های اسلامی مقابله کنند. این گفته نشان‌دهنده دیدگاه یک غربی درباره مقابله غرب با جنبش‌های اسلامی است.

ناظران اغلب عنوان می‌کنند که هدف بنیادگرایی اسلامی به راه انداختن جنگ مقدس علیه غرب است. این ناظران معتقدند این عقیده که رهبران اسلامی تنها می‌خواهند نارضایتی‌های مشروع سیاسی رفع شود به کلی بی‌معنی است. آن‌ها تصور می‌کنند حتی نابودی اسرائیل یا هر رژیم معارض دیگری در خاورمیانه تنها اشتباه بنیادگرایان اسلامی را بیشتر می‌کند. این

7. Judith Miller



تصویرات، نادرست و نیز گمراه‌کننده هستند.

رسانه‌های غربی اغلب اسلام را تهدید، اسلام ستیزه‌جو یا اسلام بنیادگرا علیه غرب به تصویر می‌کشند. ادوارد سعید معتقد است که:

امروزه به نظر عامه مردم در آمریکا و اروپا، اسلام، اخباری از نوع بسیار ناخوشایند است. رسانه‌ها، دولت، استراتژیست‌های جغرافیای سیاسی و کارشناسان دانشگاهی (هر چند در کل آن‌ها در این فرهنگ در خاتمه قرار دارند) همگی هم‌صدا با یکدیگر معتقدند که اسلام، تهدیدی برای تمدن غربی است. حال این مسئله ابتدا به مانند آن نیست که بگوییم تنها کاریکاتورهای موهن یا نژادپرستانه از اسلام را باید در غرب سراغ گرفت... آن‌چه من می‌خواهم بگویم این است که تصاویر منفی از اسلام در مقایسه با هر تصویر دیگری رواج بسیار بیشتری دارند و این‌که چنین تصاویری نه‌با آن‌چه که اسلام هست... بلکه با آن‌چه که بخش‌های برجسته یک جامعه خاص می‌خواهند باشد. مخالفت دارند؛ این بخش‌ها از قدرت و اراده ترویج این تصویر خاص از اسلام برخوردارند و از این رو، این تصویر در مقایسه با دیگر تصاویر رواج و حضور بیشتری پیدا می‌کند.

جان ال. اسپوسیتو^۸ در کتاب تهدید اسلام: افسانه یا واقعیت این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اسلام تهدیدی برای غرب است. او به ما می‌گوید که پاسخ این پرسش را باید در دیدگاه‌های غربی‌ها پیدا کرد.

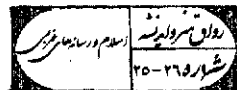
اسپوسیتو معتقد است که اگر قدرت‌های غرب هم‌چنان زیر لوای یک ثبات واهی یا ناپایدار، از وضعیت ناعادلانه موجود در خاورمیانه دفاع کنند، اسلام یک تهدید خواهد بود.

ولی اگر قدرت‌های غربی مشروعیت نارضایتی‌ها در خاورمیانه را درک کنند، غرب و جنبش‌های اسلامی در صلح و آرایش با یکدیگر کنار خواهند آمد.

با وجود این تأکید رسانه‌ای در غرب و دیدگاه‌های برخی دولت‌های غربی، اسلام در غرب وجهه‌ای منفی خواهد داشت. رسانه‌های غربی در ایجاد این تصویر منفی از اسلام نقش زیادی داشته‌اند. این رسانه‌ها اغلب تصویر نادرستی از اسلام ارائه و این دین و مظاهر آن را به اشتباه تبیین می‌کنند. گاه به نظر می‌رسد که رسانه‌ها علیه اسلام سوگیری داشته باشند. وقتی رسانه‌ها تصویر اسلام را تحریف می‌کنند، عامه مردم معمولاً آن را باور می‌کنند؛ زیرا رسانه‌ها منبع اصلی اطلاعاتی هستند که عامه مردم از اسلام کسب می‌کنند. این غفلت که رسانه‌ها مدام به آن دامن می‌زنند، باعث می‌شود تا غربی‌ها تصویری قالبی از اسلام پیدا کنند و کلیه مسلمانان و اعراب را یکسان تصور کنند.

غربی‌ها بیشتر اوقات اسلام را بنیادگرا، افراطی یا تبعیض‌آمیز تلقی می‌کنند ولی رسانه‌ها به علت احساسات مفرضانه و گاه برحسب تصادف به سبب ناآگاهی، تمعناً همگی این واژه‌ها را دستکاری می‌کنند تا تصویری منفی از اسلام ارائه کنند. واقعیت این است که اسلام، دینی

B. John L. Sposito



صلح‌طلب و عادل است که واقعیت ماهیت آن بیشتر اوقات با گزارش‌های رسانه‌ها همخوانی ندارد. با گسترش روزافزون اسلام در غرب، غربی‌ها سرانجام به حقیقت اسلام پی خواهند برد و متوجه خواهند شد که این کلیشه‌های منفی نادرست هستند. این احتمال وجود دارد که اسلام به یکی از بزرگ‌ترین ادیان در ایالات متحده تبدیل شود. وقتی انسان‌های بیشتری به پیروی از اسلام روی آورند، رسانه‌ها به تدریج این دین را خواهند شناخت و درک خواهند کرد و به شیوه‌هایی مثبت درباره آن گزارش ارائه خواهند کرد. اگر غربی‌ها از اسلام آگاه شوند، احتمالاً یاد خواهند گرفت که آن را بپذیرند.

منابع

Agha, Dr. Olfat Hassan. Islamic Fundamentalism and Its Image in the Western Media.

<http://bertie.la.utexas.edu/research/mena/acpss/english/ekuras/ek25.html#Heading5>.

Ba-Yunus, Ilyas. The Myth of Islamic Fundamentalism.

<http://www.geocities.com/CollegePark/6453/myth.html>.

Emerson, Steven. The Other Fundamentalist. New Republic. June 12, 1995.

Hassan, Anser. Invitation to Islam: Islamic Stereotypes in Western Mass Media.

<http://psirus.sfsu.edu/IntRel/IRJournal/sp95/hassan.html>.

Martinez, Pricilia. Religion Misrepresented by Media.

<http://chuma.cas.usf.edu/~rfayiz/media.htm>. Muslim Culture,

Muzaffer, Dr. Chandra. Dominant Western Perception of Islam and The Muslims.

<http://www.peg.apc.org/~newdawn/misc2.htm#top>.

Washington, DC. Why The West Fears Islam: The Enemy Within.

<http://www.twf.org/Releases/Fears.html>.

